

الدّرس الرَّابِع: «المفعول المطلق»

*** به ترجمه جملات زیر توجه کنید:

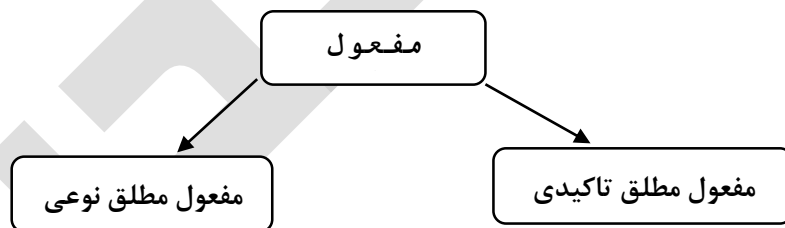
(۱) أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ : از خدا آمرزش می خواهم.

(۲) أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِسْتِغْفَاراً صَادِقاً : از خداوند قطعاً (بی گمان) آمرزش می خواهم.

(۳) أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ : از خداوند همچون درستکاران آمرزش می خواهم.

*** **مفعول مطلق**: مصدری است منصوب (_____) از جنس فعل که برای «**تاکید وقوع فعل**» یا برای «**بیان نوع عملکرد فعل**» می آید.

مفعول مطلق در زبان فارسی به صورت «**قید تاکیدی یا قید بیانی**» به کار می رود. و در زبان عربی به دو دسته تقسیم می شود.



(۱) **مفعول مطلق تاکیدی**: به مصدری نکره، منصوب، و از جنس فعل مورد نظر که برای «**تاکید وقوع فعل**» به کار می رود و شک و تردید را از بین می برد و همواره بدون «**مضاف الیه و صفت (مفرد / جمله وصفیه)**» می آید، «**مفعول مطلق تاکیدی**» گفته می شود.

نکته: در ترجمه مفعول مطلق تاکیدی از قیدهای «**حتماً - قطعاً - بی گمان - یقیناً - مسلماً**» استفاده می کنیم. **مثال**:

(۱) كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا: خداوند قطعاً با موسی سخن گفت. (تکلیماً: مفعول مطلق تاکیدی و منصوب)

(۲) اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا: خدا را حتماً یاد کنید (ذکرا: مفعول مطلق تاکیدی و منصوب)

(۳) شاهدتُ المعلمَ في المدرسةَ **مشاهدةً** - معلم را قطعاً در مدرسه دیدم. (مشاهدةً: مفعول مطلق تاکیدی)

(۲) **مفعول مطلق نوعی**: مصدر منصوب و از جنس فعل مورد نظر که برای «**بیان نوع و کیفیت وقوع فعل**» به کار می رود.

۱) به همراه صفت (مفرد یا جمله وصفیه)

مفعول مطلق نوعی به دو صورت می آید:

۲) به همراه مضاف إلیه

۱) به همراه صفت:

*صفت مفرد: یعنی یک کلمه است، جمله نیست، نه اینکه مثنی، جمع نیست:

نکته: صفت مفرد باید در چهار چیز تابع موصوف باشد، جنس (تذکیر و تانیث)، اعراب، معرفه و نکره، عدد (مفرد، مثنی جمع) = جامع (ج = جنس، ا = اعراب، م = معرفه و نکره، ع = عدد)

استغفرتُ اللهَ استغفاراً صادقاً: از خداوند صادقانه آمرزش خواستم. استغفار: مفعول مطلق نوعی - صادقاً: صفت

فاصبر صبراً جميلاً: به زیبایی صبر کن صبراً: مفعول مطلق نوعی جميلاً: صفت

*صفت جمله (جمله وصفیه): یعنی بعد از مصدر، بلافاصله صفت بصورت جمله واقع می شود، نه یک کلمه. جمله ای که بعد از اسم نکره واقع شود، جمله وصفیه نامیده می شود، که در ترجمه آن از حرف ربط «که»، یا «بطوریکه» و... استفاده می کنیم.

نکته: اگر بعد از مصدر مورد نظر «جمله وصفیه بیاید» آن جمله وصفیه به صورت عادی ترجمه می شود. فقط قبل از آن عباراتی **مثال:**

«آنچنان که، به طوری که، به گونه ای که، به شکلی که» استفاده می کنیم. **مثال:**

مثال ۱: أُحِبُّهُ حُبًّا لايُوصَفُ: او را چنان دوست دارم که قابل وصف نیست. (حبا: مفعول مطلق نوعی لايُوصَفُ: صفت)

مثال ۲: قرأتُ آياتِ القرآنِ قراءةً أثرتْ في قلبي: آیات قرآن را چنان قرائت کردم که بر دلم اثر گذاشت. (قراءة: مفعول مطلق نوعی أثرت: صفت)

نکته: دقت کنید کلمه حتی حرفی مثل (فَ، وَ، ثُمَّ، لَ، حَتَّى و غیره) نباید بین جمله وصفیه و کلمه ما قبل فاصله بیندازد. **مثال:**

-وَقَفَ التَّمَامِيُّ بَعْدَ لَعِبِهِمْ قُرْبَ الْجِدَارِ وَقُوفًا لَيْسَتْ رِيحًا. (لَيْسَتْ رِيحًا؛ جمله وصفیه نیست... وقوفاً: مفعول مطلق تاکیدی)

نکته: دقت کنید در جملات شرطی جمله وصفیه نداریم. **مثال:**

-إِنْ تَسَاعَدُونِي مَسَاعِدَةً أَوَّاصِلَ طَرِيقِي دُونَ تَعَبٍ. (اگر به من قطعاً کمک کنی راهم را بدون خستگی ادامه می دهم). در این جمله کلمه مَسَاعِدَةً مفعول مطلق تاکیدی است و دقت کنید که فعل «أَوَّاصِلَ» جواب شرط است نه جمله وصفیه.

۲. به همراه مضاف الیه:

- هرگاه بعد از مفعول مطلق « مضاف الیه » بیاید ، چون مصدر « مضاف » واقع شده است همواره بدون « ال و تنوین » می آید.

مثال: أَنْتُمْ تُحْسِنُونَ إِلَى الْمَسَاكِينِ إِحْسَانَ الْمُتَّقِينَ. (إحسان : مفعول مطلق نوعی / الْمُتَّقِينَ : مضاف الیه)

توجه : اگر بعد از مصدر مورد نظر « مضاف الیه » بیاید مصدر را ترجمه نمی کنیم واز قیودی مانند « مانند - مثل - همچون - شبیه » استفاده می کنیم .

مثال: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ. : از خداوند همچون درستکاران آمرزش می خواهم.

-إِبْتِسَامَ الْمُعَلِّمِ تَلَامِيذَهُ إِبْتِسَامَ الْأَبِّ الْحَنُونَ. :معلم به دانش آموزانش همچون پدری مهربان لبخند زد.

نکته : در تعیین مفعول مطلق حتما باید مصدر مورد نظر از جنس فعل باشد.

أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَىٰ عِبَادِهِ نِعْمًا كَثِيرًا : نِعْمًا: مفعول دوم /كثيرا: صفت

جاهدوا في سبيل الله إجتهدا: اجتهادا نمی تواند مفعول مطلق باشد چون مصدر فعل جاهدوا نمی باشد.. فعل جاهدوا از باب مفاعله است ومصدرش می شود مجاهده...

نکته : همانطور که گفته شد « مفعول مطلق (تاکیدی- نوعی) همواره مصدری از جنس فعل های ثلاثی مجرد و مزید می باشد.

بنابراین همواره یک اسم جامد می باشد. یعنی نمی تواند یک اسم مشتق (اسم فاعل - اسم مفعول و.....) باشد. **مثال:**

-إِجْتَهَدُوا فِي دُرُوسِكُمْ مُجْتَهَدًا. (مجتهدا نمی تواند مفعول مطلق باشد به جهت اینکه مصدر نیست اسم فاعل و مشتق است.

**** حذف عامل مفعول مطلق:**

گاهی عامل مفعول مطلق یعنی فعل ماقبل از جمله حذف می شود.

اجتهادا، مر حبا، عجبا، سمعا و طاعة، حقا، أصلا، حمدا، شكرا، جدا، ايضا، صبيرا، حتما، يقينا، قطعا، مهلا وغيره.....

این کلمات منصوب اگر در جمله نقش دیگری نداشته باشند؛ مفعول مطلق می باشند.

مثال: حمدا لله على نعمائه. توجه:

توجه: حقا" و جدا" به شرطی مفعول مطلقند که در معنای "واقعا" باشند:

أَنْتَ أَحَى حَقًّا. ← مفعول مطلق

إِنَّ لِلْوَالِدِينَ حَقًّا عَلَيْنَا ← اسم مؤخر إنّ

-صَبَرَ الْمُؤْمِنُ عَلَى الْمَعْصِيَةِ وَإِنَّ صَبْرَهُ صَبْرٌ مَحْمُودٌ:

صبر اول: از جنس فعل صَبَرَ است و منصوب است، ولی در اینجا اسمِ اِنْ هِست و منصوب و ربطی به مفعول مطلق بودن ندارد.
صبر دوم: منصوب نیست بلکه مرفوع است.

-اِذَا كَانَ صَبْرُكَ صَبْرًا جَمِيلًا يُؤَفِّقُكَ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

صبراً هم جنس با صَبْرُ اول هست، ولی صَبْرُ اول اسم است، نه فعل، لذا هم جنس با فعل نیست. در حالیکه در مفعول مطلق گفتیم که باید همجنس با فعل باشد.

نکته: مفعول مطلق در مقطع سوالات تستی هرگز علامت ال نمی پذیرد و همواره به صورت "مفرد" می آید و هیچ وقت از اسم های مشتق (اسم فاعل، اسم مفعول) ساخته نمی شود. چون تمام مصادر از نوع جامد هستند!

مصادر ثلاثی مزید:

فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر	مصدر (باب)	فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر	مصدر (باب)
۱. أَفْعَلُ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالٌ	۵. تَفَاعَلُ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
۲. فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفْعِيلٌ	۶. اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَالٌ
۳. فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مَفَاعِلَةٌ (فِعَالٌ)	۷. اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَالٌ
۴. تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلٌ	۸. اِسْتَفَعَلَ	يَسْتَفَعِلُ	اِسْتَفَعِلْ	اِسْتِفْعَالٌ

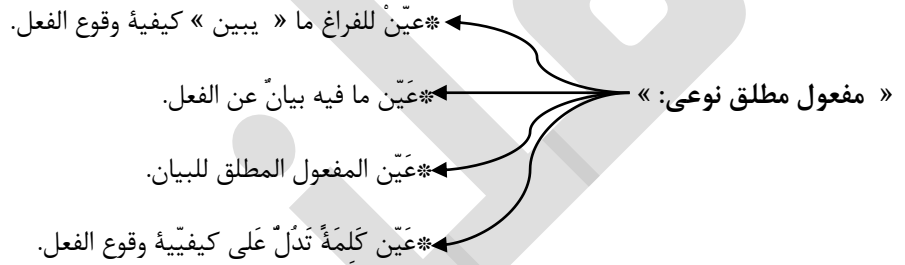
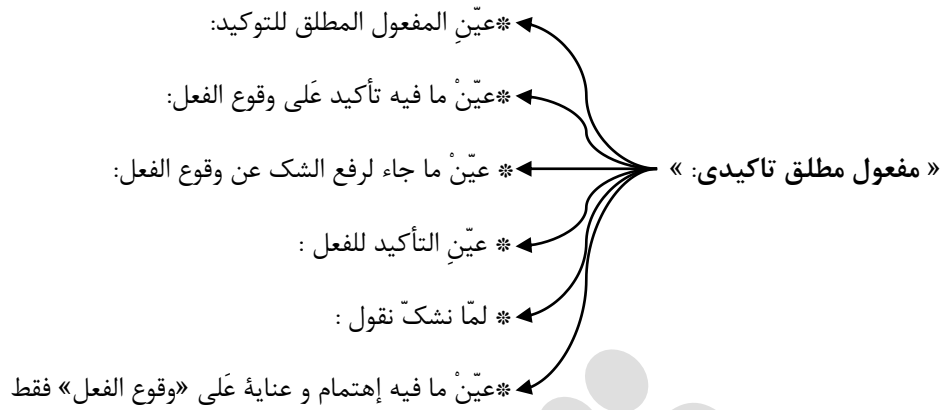
نکته: نام دیگر باب مفاعلة «فعال» است. که از هر دو می توان در ساخت مفعول مطلق استفاده کرد. **مثال:**

جَاهِدَ الْمُجَاهِدُونَ فِي الْمَعْرَكَةِ مُجَاهِدَةً (جِهَادٌ) الْمُنْتَصِرِينَ.

*مهمترین مصادر ثلاثی مجرد:

فعل ماضی	فعل مضارع	مصدر	فعل ماضی	فعل مضارع	مصدر
ذَهَبَ	يَذْهَبُ	ذَهَاباً	شَكَرَ	يَشْكُرُ	شُكْرًا
كَتَبَ	يَكْتُبُ	كِتَابَةً	صَبَرَ	يَصْبِرُ	صَبْرًا
قَرَأَ	يَقْرَأُ	قِرَاءَةً	قَالَ	يَقُولُ	قَوْلًا
نَظَرَ	يَنْظُرُ	نَظْرَةً	عَاشَ	يَعِيشُ	عَيْشًا
ذَكَرَ	يَذْكُرُ	ذِكْرًا	ضَرَبَ	يَضْرِبُ	ضَرْبًا
فَتَحَ	يَفْتَحُ	فَتْحًا	سَجَدَ	يَسْجُدُ	سُجُودًا

*** نیتر های مهمی که برای مفعول مطلق تاکیدی ونوعی در تستها به کار می رود:



« سوالات تستی »

۲۶- عَيْنُ ما فيه تأكيد على وقوع الفعل:

- (۱) من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً فيضاعفه له !
 (۲) حاول هذا التلميذ في دروسه ليلاً ونهاراً حتى يكتسب درجات عالية فيها !
 (۳) يفتح الله للمؤمنين فتحاً مبيناً حتى يصمدوا أمام المشكلات برؤوس مرفوعة ! (۴) إهتم المسلمون بالأعياد إهتماماً بالغاً !

۲۷- عَيْنُ ما ليس فيه المفعول المطلق :

- (۱) أذكروا نعمة الله عليكم ذكراً ، إذ جعل فيكم أنبياء !
 (۲) علم الرجل الطلاب علماً كثيراً للسعادة !
 (۳) أحب أن تناقشوا الموضوع مناقشة علمية !
 (۴) الشباب المخلصون يخدمون وطنهم خدمة جلية !

۲۸- عَيْنِ المفعول المطلق للنوع:

- (۱) أحدثت هذه المشكلة القلق إحداثاً في قلوبنا مرة أخرى !
 (۲) وقف التلاميذ بعد لعبهم قرب الجدار وقوفاً ليستريحوا !
 (۳) استقبل التلاميذ زميلهم المثالي استقبال الصديق الحنون !
 (۴) التلاميذ المجدون يساعدون أصدقاءهم في الدروس مساعدة !

۲۹- لَمَّا نشكّ في تأليف المعلم ، نقول :

- (۱) المعلم يؤلف حاذقاً (۲) ألف المعلم كتاباً (۳) ألف المعلم تأليفاً (۴) الكتاب ألف سريعاً

۳۰- عین ما یرفع الشک عن وقوع الفعل :

- (۱) إن المعلم یربّی هؤلاء الیتامی تربیة الأب الحنون !
 (۲) إن غیّرت نفسک تشاهد تغییراً فی العالم !
 (۳) إن تساعدونی مساعده أوصل طریقى دون تعب !
 (۴) یا آیها العلماء لاتجادلو الجاهل مجادله طویلہ !

۳۱- عین الصحیح للفراغ لبيان نوع الفعل : « أحسنوا إلى من أساء إليکم! » :

- (۱) محسنين (۲) إحساناً (۳) إحسان المحسنين (۴) حسناً جميلاً

۳۲- عین المفعول المطلق یخبرنا عن کیفیة وقوع الفعل :

- (۱) قرأت آیات من القرآن قراءة تؤثر فی القلب !
 (۲) نحترم معلمینا إحتراماً لأنهم یربّوننا لمستقبل بلادنا !
 (۳) إنتصر المجاهدون فی ساحة المعركة إنتصاراً !
 (۴) ضیعت النعم تضييعاً بالإستفاده غیر الصحیحة منها